



این رمان ۲۹۰ صفحه‌ای نیست

عشق درونمایه اغلب آثار سعید تشکری است. در عشق‌هایی که تشکری خلق می‌کند هم عشق زمینی دیده می‌شود، هم عشق غیرزمینی.

یونس فردوس

روزنامه‌نگار

از ارادت به امام رئوف و مهربانی تا عشق مادر و فرزند و همسر به همسر. عشق به فرزندان رسول خدا در تمام آثار تشکری دیده می‌شود و باید گفت جزء لاینفک آثار تشکری است. او ارادتش نه از جنس ارادت‌های تصنعی است که ارادت‌های جوشیده از اعماق قلبش است. برای این که سخن به درازا نکشد از بردن اسامی آثاری که تشکری در تمام آنها زمینه ابراز ارادت و عشق ورزی به خاندان نور را فراهم کرده و دل‌های خواندگانش را راهی سرزمین نورانی آنها کرده است، خودداری می‌کنیم.

«هندوی شیدا» روایتی است از همین جنس. ارادت به سیدالشهدا (ع) در کنار ارادت به امام هشتم در این رمان تبلور دارد و خواننده با پای واژگان راهی آستان این ذوات نورانی می‌شود. تشکری در این رمان برخلاف باقی



آثارش که اغلب تم تاریخی دارد در روزگار کنونی دست به خلق جهان داستانی اش زده و خواننده را در موقعیتی متفاوت از دیگر آثارش قرار داده است. با همین جمله روشن شد که تشکری در اغلب داستان‌هایش سراغ تاریخ می‌رود و قصه‌اش را در دل تاریخ می‌سازد. قصه‌هایی که شاعرانگی و وجه اصلی آنهاست.

در هندوی شیدا، خواننده باز هم در جغرافیای خراسان تنفس می‌کند. خراسانی که در آثار او می‌بینیم نه خراسان توریستی است، بلکه خراسانی است که برای اهل جست‌وجو حامل نشانه‌هایی است که می‌تواند شیرینی جغرافیا را در کام او بنشاند. این مساله در آثار او دیده می‌شود و خواننده‌ای که اهل زندگی کردن با ادبیات باشد این فرصت را دارد تا در جهانی زیست کند که می‌تواند نشانه‌های آن را پیدا کند.

یکی دیگر از ویژگی‌های تشکری در داستان پردازی ساخت جهان‌های فرعی داستانی است. او با خرده‌روایت‌هایش کاری می‌کند که خواننده گاهی قصه اصلی را رها کند و پرنده خیال را پرواز بدهد به سمت جهانی که با یک روایت فرعی در قصه ایجاد شده و دنباله آن را در ذهنش پی بگیرد.

خرده‌روایت‌های «هندوی شیدا» در ساختار روایت کلی داستان نشست و هر کدام از آنها در جای خوبی استفاده شده و خواننده با وجود ظرفیت بالای این خرده‌روایت‌ها خط اصلی قصه را از دست نمی‌دهد. این رمان ۲۹۰ صفحه‌ای را نباید به چشم یک رمان ۲۹۰ صفحه‌ای نگاه کرد، بلکه همین که کتاب را شروع کنید متوجه پایان آن نخواهید شد و این ویژگی تمام آثار تشکری است که سرعت و ضربه‌های آن خواننده را مجذوب خود می‌کند.



نام اثر:

اوسنه گوه‌رشاد

نویسنده:

سعید تشکری

انتشارات:

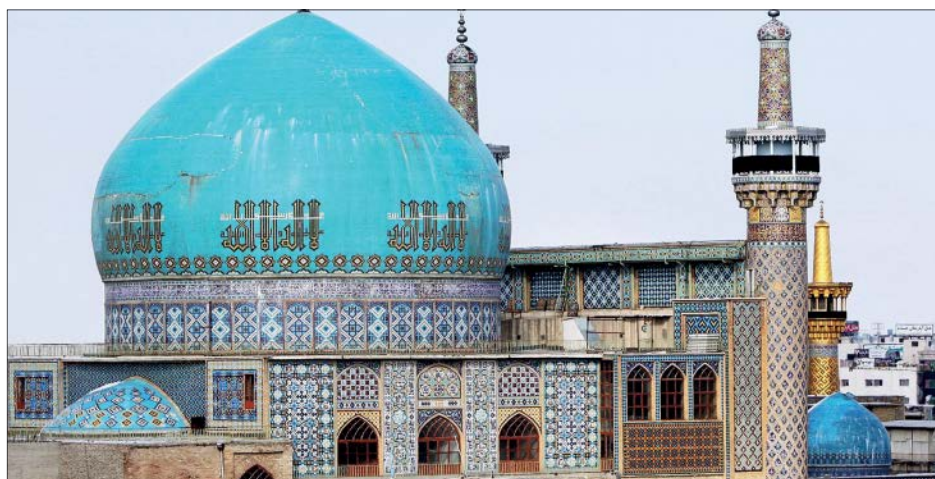
به‌نشر

۱۹۲ صفحه

۲۵۰۰۰ تومان

نگاهی به کتاب «اوسنه گوه‌رشاد»

سفر با کالسکه از دوران تیموریان به روزگار پهلوی



زینب آزاد

روزنامه‌نگار

واسطه او ساخته شده و مورد استفاده قرار گرفته است را به او نشان می‌دهد.

انتخاب یک شخصیت تاریخی با اطلاعات اندک، به عنوان شخصیت اصلی رمانک فانتزی، اصلاً عجیب نیست، حتی ممکن است جذاب هم باشد. تعدد فصول کتاب و همچنین زاویه دید، نکته دیگری است که مخاطب را درگیر خواهد کرد. وجود ۵۵ فصل در یک رمانک منطقی نیست، بلکه فانتزی است! به علاوه این که در هر فصل زاویه دید و راوی دائماً در حال تغییر است. از من راوی گرفته تا دانای کل محدود، حتی به سراغ دوم شخص راوی هم رفته و عرض اندامی هم در آنجا داشته است. علاوه بر اینها در قسمتی دلتوشته‌ای برای بانو گوه‌رشاد نوشته و در بخشی دیگر با آوردن بریده‌های روزنامه به عنوان مدرکی بر مستند بودن روایت، اطلاعات تاریخی را در دل متن گنجانده است.

دو شخصیت امینه و فتح‌ا... پاکروان نماینده دستگاه قدرت و عقاید رضاشاه هستند. این دو به تازگی از فرانسه برگشته‌اند و به عنوان دو مستشرق می‌خواهند بنیادی نو و غربی در عقاید عامه مردم ایجاد کنند و به این وسیله، راهی به قدرت و دربار باز کنند. آنها با برپایی جشن‌ها و آوردن برخی المان‌های اروپایی سعی در پیاده‌سازی تفکرات و تغییر عقاید ایرانیان دارند.

دیگر شخصیت‌های این کتاب دو زوج جوان و والدینشان هستند که در بحبوحه‌های فرمان کشف حجاب به عقد و عروسی مشغولند و نویسنده آنها را هم درگیر این آشوب‌ها می‌کند «خدا رو شکر هنوز فروختن پارچه جرم نیست... فروختنش جرم نیست، اما دوختنش ممکنه جرم باشه و در دسر شه واسه خیاط بیچاره».

پرداخت نویسنده به ممنوعیت برگزاری مراسم عزاداری در محرم و برپایی مراسمات رقص از دیگر نکاتی است که نفس کتاب را تازه کرده و استحکام عقاید ایرانیان را به معرض نمایش گذاشته است.

تاریخ همیشه مدیون افرادی خواهد ماند که در مقابل زور و تزویر ایستادگی کرده و جماعتی را از گمراهی رهانیده‌اند. ایران از آن دسته کشورهایی است که زخم چکمه‌های استبداد را بر تن خود داشته و دارد. تا آنجا که ذهن یاری می‌کند، مغول‌ها بوده‌اند و پس از آن انگلیسی‌ها و پهلوی‌ها که باز همان هم جیره‌خوار و حلقه به گوش انگلیس بودند.

این بار همراه سعید تشکری به مشهد سفر می‌کنیم و شرح ما وقع کشف حجاب را جويا می‌شویم. «اوسنه گوه‌رشاد» یک رمان پست مدرن و فانتزی است. نویسنده در همان ابتدای کتاب وارد داستانی می‌شود و در طول داستان حضور دارد. این امر در حالی است که از همان ابتدای کتاب مخاطب را مطلع ساخته و پایه‌های شخصیت‌ها با خواننده به گفت‌وگو می‌پردازد «اشتباه نکنید این اصلاً گفت‌وگوی اون آقا و خانم در فصل قبل نیست. این منم که با شما صحبت می‌کنم. مستقیم و بی‌واسطه...». ورود نویسنده به بطن این داستان دو ویژگی دارد: اول این که نثر محاوره‌ای نویسنده در گفت‌وگو با مخاطبان و شخصیت‌ها، مقایسه‌ای نامحسوس بود بین گفتار گذشته و معاصر و دوم ضرری است که با مزه‌پرانی‌هایش به نظم فکری خواننده می‌زند «خیلی چیپ شد. اهل دلا که این طوری خواستگاری نمی‌کنن. شما ببخشید.» البته که واقفیم در اثر فانتزی هر اتفاقی می‌تواند رقم بخورد. حتی می‌توان شخصیتی را از قرن‌ها قبل، از زمان تیموریان سوار بر کالسکه کرد و شبانه به زمان پهلوی آورد!

با اندک اطلاعاتی که درباره واقعه مسجد گوه‌رشاد و شخصیت بانو گوه‌رشاد در تاریخ موجود است، به مطالعه کتاب می‌پردازیم. نویسنده این کتاب به دنبال گوه‌رشاد می‌رود و او را به زمان پهلوی می‌آورد تا از تخریب مسجدش توسط عمال انگلیسی جلوگیری کند. با او همسفره و همسفر می‌شود و امکانی که به